

نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی

احمد رضایی جمکرانی
عضو هیئت علمی دانشگاه قم
E-mail: A52_2006@yahoo.com

چکیده

سبک، نمودار گزینش و ترکیب شاعر و نویسنده از امکانات متعدد زبانی است. همچنین بیانگر تقلید یا نوآوری در دستگاه‌های مختلف زبان مانند دستگاه آوایی، دستگاه واژگانی و نحوی است. از جمله مهم‌ترین دستگاه‌های زبان، دستگاه بلاغی است که شامل همه تزئینات بیانی و بدیعی و به تعبیری همه عناصر جمالی متن می‌شود. دستگاه بلاغی برجسته‌ترین و مهم‌ترین دستگاه زبان ادبی است که می‌توان روند آفرینش ادبی را در آن ملاحظه نمود. زیرا به نظر می‌رسد نخستین دگرگونی‌های سبکی در این دستگاه روی می‌دهد. اساسی‌ترین رکن این دستگاه تشبیه است که سایر اجزای دستگاه مانند استعاره، تشخیص و حتی کنایه از آن ناشی می‌شود. با بررسی ساختار تشبیه به صورت دقیقی می‌توان تحولات سبکی دستگاه بلاغی را نشان داد. در این مقاله، با استفاده از آماری که از تحلیل کامل تشبیهات اشعار نیما، اخوان و سهراب سپهری در دست است، سعی می‌شود تحولات سبکی ناشی از تشبیه در شعر نو به اجمال بررسی شود.

واژگان کلیدی: تشبیه، ساختارهای تشبیهی، سبک‌شناسی بلاغی، سبک

سبک، مظهر گزینش شاعر از وسایل تعبیر است (فضل، ۱۹۹۸: ۱۲۶). نویسنده از امکانات و ابزار فراوان و عدیده‌ای که در زبان دارد، برخی را برمی‌گزیند و با ترکیب آنها با هم اثری را پدید می‌آورد. «به بیان دیگر مسئله سبک، مسئله‌ای است که بر مفهوم گزینش استوار است. گزینش این شق یا آن شق در سطوح گوناگون زبان، یعنی سطوح معنایی، واژی - دستوری و آوایی زبان. در نتیجه هر متن دارای ویژگی‌هایی خواهد بود که فراورده گزینش‌هایی هستند که فرد در تمامی این سطوح صورت می‌دهد، و روی هم رفته سبک ویژه متن را رقم می‌زند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۰۵). بر این گزینش باید ترکیب را نیز اضافه کنیم. زیرا تنها گزینش عامل اصلی سازنده سبک نیست، بلکه این گزینش باید در ترکیب با دیگر عناصر متن باشد.^(۱)

اشخاص مختلف می‌توانند سبک‌های گوناگون داشته باشند و دوره‌های مختلف نیز دارای سبک‌های متفاوتی هستند. هر دوره مشخصات و ویژگی‌هایی دارد که آن را از دوره‌های قبل و بعد متمایز می‌کند. تغییرات دستگاه‌های مختلف زبان مانند دستگاه آوایی، دستگاه واژگانی، نحوی و... باعث می‌شود در هر دوره با عناصر نو و تازه‌ای روبه‌رو شویم که حداقل نحوه کاربرد آنها با ادوار پیشین متفاوت به نظر می‌رسد. یکی از دستگاه‌های مهم، دستگاه بلاغی است که می‌توان تحلیل و بررسی عناصر آن را سبک‌شناسی بلاغی نامید. در سبک‌شناسی بلاغی نوع دید و رویکرد شاعران و نویسندگان به جهان و اطراف نمایانده می‌شود؛ به محض تغییر و دگرگونی اوضاع، این تحول در دیدگاه شاعران و نویسندگان بروز می‌کند و نگاه آنها را دگرگون می‌سازد. «در هر سبک تازه، عنصر ویژه‌ای از آنچه واکنش نسبت به سبک ادبی پیشین خوانده می‌شود وجود دارد. این عنصر بیانگر مباحثه‌ای درونی و سبک‌ستیزی پنهان نسبت به سبک دیگر است (تودروف، ۱۳۷۹: ۴۹). به نظر می‌رسد در این ستیزه تلاش عمده نویسنده اثر، گریز از تقلید است. او می‌خواهد - در دستگاه بلاغی - با دیدی دیگر به پیرامون بنگرد و به گونه‌ای نو و تازه نگرش خویش را عرضه کند. نویسنده یا شاعر، نگاه نو خویش را در دستگاه بلاغی خاص پی‌ریزی می‌کنند. الا با همین دستگاه بلاغی، مسلمانان تلاش می‌کردند سبک هنری قرآن را توضیح دهند و تشبیهات و انحاء هنری آن را روشن نمایند (شمیسا، ۱۳۷۳: ۵۳).

سبک شناسی بلاغی از بخش‌های مهم و اساسی دانش سبک شناسی است و اگر قدری پا را فراتر بگذاریم، سبک شناسی بلاغی را باید مهم‌ترین و اصلی‌ترین رکن سبک هر اثر ادبی به حساب آورد؛ زیرا تمام ویژگی‌ها و مختصات^۱ که ادبیت یا وجه ادبی^۲ اثر را تشکیل می‌دهند و زمینه ادبی شدن آن را فراهم می‌کنند در این دستگاه متجلی می‌شود.

نقش تشبیه در دستگاه بلاغی

اگر دستگاه بلاغی را شامل همه تصاویر و تزئینات بدیعی و بیانی بدانیم (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲) تشبیه مهم‌ترین عنصر سازنده این دستگاه است که صورت‌های دیگر خیال مانند استعاره، تشخیص و حتی رمز و کنایه از آن ناشی می‌شود. تشبیه نشان دهنده وسعت و زاویه دید شاعر است؛ نشان می‌دهد که شاعر چگونه توانسته میان اشیاء و عناصر به ظاهر بی‌ارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند؛ ارتباطی که با هیچ دید و توانی جز دید و توان شاعر دریافت نمی‌شود. به دیگر سخن هسته مرکزی خیال‌های شاعرانه تشبیه است. گویا به همین دلیل ابن رشیق *قیروانی* اساس و بنای شعر را تشبیهی خوش یا استعاره‌ای دلکش می‌داند: «شعر چیزی است که مشتمل بر تشبیهی خوش و استعاره‌ای دلکش باشد و در ماسوای آنها گوینده را فضل وزنی خواهد بود و بس» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۷). از آنجا که پایه استعاره نیز بر تشبیه استوار است می‌توان گفت ابن رشیق اساس شعر را تشبیه می‌داند. از دیگر سو تشبیه نشان دهنده تقلید^۳ یا خلاقیت^۴ نویسنده یا شاعر است و نشان می‌دهد تا چه میزان صاحب اثر، آفریننده یا مقلد بوده است. چنین آفرینشی شاعران و نویسندگان صاحب سبک را از مقلدان متمایز می‌کند: زیرا «شاعران مقلد از تشبیهات و استعارات ایشان استفاده می‌کنند و در واقع از چشم ایشان می‌بینند و از زبان ایشان می‌گویند.» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۷۸). برای نمونه به ابیات زیر که

1. Features.
2. Literariness.
3. Imitation.
4. creativity.

شاعران به تقلید از یکدیگر سروده‌اند توجه کنید:

امروء القیس در توصیف اسب در معلقه معروفش می‌گوید:

مک رمف رمقب ل مدب رمعا کجلمود صخر حطه السیل من عل
له ایطلاظ بی و ساقا نعامه وارخاء سرحن ورتقب ت تفل

حمله می‌کند و می‌گریزد و روی می‌آورد و پشت می‌کند و چون سنگ صخره است که سیل آن را از بلندی پرتاب کرده باشد.

پهلوه‌های او چون آهو و ساق‌های او چون شترمرغ است و چون گرگ می‌دود و چون بچه روباه می‌جهد.

منوچهری دامغانی با ترجمه شعر مذکور چنین آورده است:

همچنان سنگی که آن را سیل گرداند ز کوه گاه زان سو گاه زین سو گاه فراز و گاه باز
شیر گام و پیل زور و گرگ پوی و گورگرد بیر دو و آهوج و روباه عطف و رنگ تاز
یا بشار بن برد گرد و غباری را که از تاخت و تاز اسبان برخاسته، به آسمان شب تشبیه کرده و درخشندگی نیزه‌ها و شمشیرها را به ستارگان:

کان مثار النقع فوق رؤوسنا و اسیافنا لی ل تهاوی کواکبه

گرد و غبار برخاسته بالای سر و شمشیرهای ما چون شبی بود که ستارگانش فروریخته باشند و فردوسی چنین می‌گوید:

درخشیدن تیغهای بنفش در آن سایه کاویانی درفش

تو گفتی که اندر شب تیره چهر ستاره همی برفشانند سپهر

(دود پوتا، ۱۳۸۲: ۱۱۸-۱۱۶)

در هر صورت تأمل و تدبر در تشبیهات شاعران همان گونه که تقلید آنان را از مضامین دیگران آشکار می‌کند، ابتکار و نوآوری آنان را نیز نشان می‌دهد. وقتی سبکی دچار دگرگونی شود، ساختارهای تشبیهی و استعارات از جمله نخستین محمل‌هایی است که این تحول را نشان می‌دهد. لا دگرگونی‌های دستگاہ بلاغی شعر نو را می‌توان از جهات مختلف

در ساختار تشبیهات بررسی نمود.^(۲)

در اینجا برای گریز از تطویل به برخی از تحولات ارکان تشبیه از جمله مشبه به، وجه شبه، ادات تشبیه و... می‌پردازیم و کیفیت تحول آنها را با تأکید بر اشعار نیما، سهراب و اخوان ثالث نشان می‌دهیم.

مشبه به

مشبه به از جمله عناصری است که نمایانگر خلاقیت در دستگاه بلاغی است، زیرا علاوه بر تشبیه، اساس استعاره را نیز تشکیل می‌دهد. وجه شبه از مشبه به اخذ می‌شود، نبودن این عنصر به نوآوری در ساختمان تشبیه می‌انجامد و برعکس تکراری و تقلیدی بودن آن ساختمان تشبیه را مبتذل و عامیانه می‌سازد. از سوی دیگر به کارگیری مشبه‌به‌هایی که جز سنن ادبی^۱ باعث خودکار شدگی^۲ ساختار تشبیه می‌گردد^۳ لاً به کاربرد نرگس به عنوان مشبه به چشم، یا گل به عنوان مشبه به روی و... هیچ وجه تازه‌ای برای خواننده آشنا به ادبیات ندارد. زیرا فقط آوردن مشبه به‌های تازه و نو زبان ادب را در دستگاه بلاغی برجسته می‌نماید.^(۳) همچنین باعث می‌شود در محور هم‌نشینی تشبیه، میزان حدس مخاطب تقلیل پیدا کند یا در برخی موارد به صفر برسد و آگوشبه کام لاً خلاف انتظار مخاطب باشد، به قول ریفاتر این خلاف انتظار^۳ انگیزه سبکی محسوب می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۳: ۶۳). چنین خلاف انتظارها یا به عبارتی برجسته‌سازی‌هایی^۴ در حیطه مشبه به‌های شعر سهراب سپهری بسیار است.

او جوان بودن را به پریروزهای فکر مانند کرده است که شاید انگاره‌ای^۵ متعارف نباشد. زیرا می‌توان انگاره‌ای متعارف به عنوان مشبه به برای جوان بودن آورده لاً نهال، گل تازه شکفته.

- یک نفر آمد.

مثل پریروزهای فکر جوان بود.

1. literary traditions.
2. Automatization.
3. Defeated expectancy.
4. Foregrounding.
5. Paradigm.

(سپهری)

یا در تشبیه دیگری بالا آمدن ماه را به «اندوه تفهیم» مانند کرده است:

- ماه رنگ تفسیر مس بود.

مثل اندوه تفهیم بالا می آمد.

(سپهری)

در اینجا حدس مشابه، به دلیل بدیع و جدید بودن به صفر می رسد. چنین نمونه هایی در اشعار سهراب به خصوص در ما هیچ، ما نگاه بسیار یافت می شود و می تواند به عنوان یکی از مختصات سبکی او به شمار آید.

البته نباید تحولات اجتماعی و سیاسی را در آوردن چنین مشابه های نو فراموش کنیم. به تعبیری می توان گفت تحولات جامعه زمینه چنین رویکردی هستند. با بررسی های انجام شده مشخص گردید میزان مشابه های نو و بدیع در شعر شاعران مذکور (نیما، سهراب و اخوان) بسیار اندک است و نمونه های موجود بیشتر مربوط به سهراب سپهری است. مثال های دیگر:

- من چو شیپوری

عشق ام را می ترکانم.

(شاملو)

می توان زیبایی یک لحظه را با شرم

مثل یک عکس سیاه مضحک فوری

در ته صندوق مخفی کرد.

(فروغ)

او نا امیدیش را هم

مثل شناسنامه و تقویم و دستمال و فندک و خودکارش

همراه خود به کوچه و بازار می برد.

(فروغ)

- سایه ها از دور مثل تنهایی آب، مثل آواز خدا پیداست.

(سپهری)

اکثر مشبه‌به‌های شاعران مورد بحث از حوزه محسوسات‌اند. طبق آمار ۸۹٪ مشبه‌به‌های نیما، ۸۹٪ مشبه‌به‌های اخوان و ۸۷٪ مشبه‌به‌های سپهری حسی است. همچنین ۱۱٪ مشبه‌به‌های نیما، ۱۱٪ مشبه‌به‌های اخوان و ۱۳٪ مشبه‌به‌های سپهری عقلی است.

وجه شبه

بدون تردید اهمیت و ارزش هنری یک تشبیه به چگونگی و کیفیت وجه شبه وابسته است. وجه شبه رابطه‌ای است که شاعر یا نویسنده به کشف آن نایل گردیده و اهمیت این کشف کمتر از یک قانون علمی نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۱۸). چنین ارتباطی بین طرفین تشبیه یعنی مشبه و مشبه به ممکن است از زوایای گوناگون باشد: صورت، رنگ حرکت و ... صفاتی هستند که مورد توجه قرار می‌گیرند و شاعر یا نویسنده تنها کسی است که به آن پی می‌برد و دیگران را نیز تا اندازه‌ای در آگاهی خویش شریک می‌کند. پیش‌تر اشاره شد که وجه شبه از مشبه به اخذ می‌گردد و به نسبت بدیع و تازه بودن مشبه به شاعر از وجوه شبه جدیدتری بهره‌مند می‌شود. همان‌طور که مشبه به‌های تقلیدی زبان ادب را به زبان خودکار نزدیک می‌کند، به همان نسبت وجوه شبه تکراری و تقلیدی نیز چنین می‌کنند. هرچه شاعر در پیدا کردن روابط مشبه و مشبه به خلاقیت به کار بندد، وجه شبه برجسته‌تر خواهد شد و در نتیجه ادبیت کلام بارزتر می‌گردد. وجه شبه عامل اصلی و اساسی فعال نمودن ذهن خواننده و مشارکت دادن وی در جریان آفرینش است.

در تشبیهات باز (مفصل) که وجه شبه و ادات تشبیه در ساختار آنها ذکر می‌شود، جایگاه چندانی برای مخاطب و مشارکت وی در متن باقی نمی‌ماند؛ می‌توان گفت چنین ساختارهایی به قول بارت «خواندنی» هستند: «این متن جریان خواندنی، خواننده را به سوی یک معنا رهنمون می‌شود. «خواندنی» نامیدن چنین متنی به معنی برجسته ساختن شیوه‌ای است که خواننده‌اش از آن طریق در موضع یک دریافت کننده نسبتاً منفعل می‌ایستد» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۱۴). در واقع چیزی برای کشف باقی نمی‌ماند تا آن را کشف کند و به عنوان مصرف کننده

منفعل متون خواندنی است (بلزی، ۱۳۷۹: ۱۶۴). اما از سوی دیگر تشبیهاتی که وجه شبه آنها ذکر نشده یا با وجود وجه شبه ابهامی در آنهاست $\text{لأوجه شبيهی که دارای استخدام‌اند}$ منجر به دخالت خواننده و مخاطب می‌گردد. به قول بارت این نوع متون خواننده را به تولید کننده متن تبدیل می‌کند (همان: ۱۷۴). چنین تشبیهاتی نو و بدیع‌اند و به عنوان سنن ادبی محسوب نمی‌شوند. می‌توان گفت این گونه تشبیهات از نظر ساختار اغلب فشرده (بلیغ) هستند.

در شعر نو فارسی تشبیهات سهراب سپهری چنین ویژگی و مشخصه‌ای دارد. یعنی اساس تشبیهات وی بر پایه تشبیه فشرده بنا شده است. از مجموع ۳۳۷ مورد تشبیه که در کل اشعار او در هشت کتاب وجود دارد، ۲۵۰ مورد (۷۴٪) به صورت فشرده، یعنی با حذف وجه شبه آمده است. این آمار در اشعار اخوان ثالث در پنج مجموعه *ارغنون*، *از این اوستا*، *زمستان*، *آخر شاهنامه* و *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم* به گونه‌ای دیگر است. در کل این آثار ۵۷٪ ساختار تشبیهات به صورت فشرده (بدون وجه شبه) و ۴۳٪ به صورت باز (مفصل) همراه با وجه شبه آمده است. مجموع تشبیهات این آثار ۷۵۶ مورد است.

این آمار در اشعار نیما به عنوان بنیانگذار شعر نو به گونه‌ای دیگر است. از مجموع ۴۶۰ مورد تشبیه در اشعار فارسی نیما، ۷۷٪ به صورت باز یعنی همراه با وجه شبه و ۲۳٪ به صورت فشرده یعنی بدون وجه شبه است. با توجه به این آمار می‌توان گفت ساختار تشبیهات نیما - به عنوان آغازگر شعر نو - و سپهری عکس یکدیگر است. نیما در موارد زیادی به کمک خواننده می‌شتابد و ساختار تشبیهات را برای او روشن می‌کند. به عبارت دیگر ساختار تشبیهات هر سبکی در آغاز باز است. زیرا «از آنجکه تشبیهات نو است، معمولاً مفصل است، یعنی شاعر یا نویسنده وجه شبه را که غالباً تخیلی است ذکر می‌کند تا نگرش او که دو امر تازه را به هم مربوط ساخته است، فهمیده شود (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۳۷).

طبق آمار، اخوان در ساختار تشبیهات - در مجموع آثار - راه متعادلی در پیش گرفته، یعنی نسبت تشبیهات باز و فشرده او به هم نزدیک است. ساختار تشبیهات نیما به عنوان آغازگر سبک نو با ساختمان اشعار سپهری به عنوان شاعری در همین سبک در چند دهه بعد از نیما کاملاً متفاوت است.

وجه شبه و استخدام

در میان وجوه شبهی که در اشعار این سه شاعر به چشم می‌خورد، سپهری در تشبیهات مفصل یا باز خود از وجوه شبهی سود برده است که دارای استخدام‌اند و به نوعی می‌توان گفت از هنری‌ترین وجه شبه استفاده کرده است. این نوع وجه شبه نسبت به مشبه دارای یک معنی و نسبت به مشبه به دارای معنی دیگری استاصو لاً وجه شبهی که دارای استخدام است نشان دهنده وسعت دید و قدرت تخیل شاعر است. چنین وجه شبهی علاوه بر ایجاد معانی گوناگون فعالیت ذهنی خواننده را نیز دوچندان می‌کند و به تعبیری علاوه بر نو بودن، باعث دخالت ذهنی مخاطب می‌شود. در اشعار سپهری ۵٪ وجوه شبه چنین مشخصه‌ای دارند که می‌تواند به عنوان ویژگی سبکی او به حساب آید.

مثل یک میوه تب تند رسیدن دارم.

(سپهری)

رسیدن نسبت به من شاعر (مشبه) به معنی رسیدن به مقصد است و در مورد میوه (مشبه به) به معنی گذشتن از مرحله کمال بودن است.
حرفهایم مثل یک تکه چمن روشن بود.

(سپهری)

روشن بودن نسبت به حرف (مشبه) به معنی صریح بودن است و در مورد چمن (مشبه به) می‌تواند به معنای سبز بودن باشد.

نمونه‌ای از نیما:

- من سوی گل‌گذاری رسیدم

در همش گیسوان چون معما

همچنان گردبادی مشوش

در هم بودن در مورد گیسوان (مشبه) به معنای آشفته و پریشان است و در مورد معما

(مشبه به) به معنای پیچیده و لاینحل به کار رفته است. چنین مشخصه‌ای در تشبیهات نیما و

اخوان بسیار کم است.

ادات شبیه

از آنجا که ادات تشبیه از عوامل «نشاندن سازی همنشینی» است (صفوی، ۱۳۸۰: ۱۰۶) حذف آن در یک ساختار تشبیهی، در واقع کاستن از میزان «نشانداری» ساختار است که همین امر زمینه را برای فعالیت خواننده فراهم می‌کند. زیرا تشبیه به سوی بی‌نشانی حرکت می‌کند. برای مثال به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۱. ژاله‌ها دانه دانه درخشند.

۲. همچو الماس و در آب ماهی

۳. ژاله‌ها همچو الماس هستند.

۴. الماس ژاله‌ها

در نمونه ۱ تمام ارکان تشبیه ذکر شده، در نمونه ۲ وجه شبه حذف گردیده و در نمونه ۳ هم وجه شبه و هم ادات تشبیه محذوف است. «بدین ترتیب می‌توان مدعی شد که تشبیه انتخاب دو نشانه از روی محور جانشینی بر حسب «تشابه» و ترکیب آنها بر روی محور همنشینی است. استفاده از وجه شبه و ادات تشبیه بر روی محور همنشینی بر توضیح عملکرد می‌افزاید تا «مدلول» به «مصدق» نزدیک‌تر شود. به همین دلیل است که کاربرد تشبیه در دورترین فاصله میان مدلول و مصداق «تشبیه بلیغ» نامیده می‌شود.» (همان: ۱۲۶). در ترکیب «زورق بستر تشبیه کام الابی نشانی است.

- دور بود از سبزه زار رنگ‌ها

زورق بستر میان موج خواب

(سپهری)

در اینجا گویی انتقال مشبه، به مشبه به صورت گرفته است، در حالی که در ساختار توأم با ادات تشبیه چنین انتقالی پیشنهاد می‌گردد. یعنی نقش ادات تشبیه نوعی پیشنهاد برای عبور ادات مشبه به سوی مشبه است (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۳).

در شعر فارسی وجود ادات تشبیه نظیر چون، همچون، به کردار، مثل، مانند و... سریعاً

خواننده را از وجود تشبیه آگاه می‌کند. عمده تشبیهات نیما، تشبیهات باز یا مفصل است و به همین نسبت، وی از ادات تشبیه استفاده کرده است. براساس آمار نیما از سی گونه ادات تشبیه سود برده است که در این میان «چون» با ۲۶٪ بیش از سایر ادات به کار رفته است. طبق آمار ۷۲٪ تشبیهات وی ادات تشبیه دارند. ادات تشبیه در اشعار نیما همان کلمات مرسوم در شعر فارسی است و هیچ گونه بدعت و نوآوری در آنها دیده نمی‌شود. اما سهراب سپهری برخلاف نیما از ادات تشبیه بسیار کم استفاده کرده است. در مجموع اشعار او ۲۰٪ تشبیهات به همراه ادات آمده است. در اینجا نیز وی تلاش کرده نوآور و خلاق باشد. او اداتی را به کار برده که در زبان فارسی یا کاربرد نداشته یا بسیار کم به کار رفته است. اداتی از قبیل به سبک، به اندازه و به شیوه:

- و او به شیوه باران پر از طراوت تکرار بود.

- و او به سبک درخت میان عافیت نور منتشر می‌شد.

- من به اندازه یک ابر دلم می‌گیرد.

وقتی از پنجره می‌بینم حوری

دختر بالغ همسایه

پای کمیاب ترین نارون روی زمین فقه می‌خواند.

- نرسیده به درخت

کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است.

و در آن عشق به اندازه پره‌های صداقت آبی است.

(سپهری)

بر این اساس می‌توان گفت یکی از دلایل ابهام ساختار تشبیهات سپهری - که به ابهام شعر وی

منجر می‌شود - حذف ادات تشبیه به عنوان یکی از علائم نشاننداری از ساختمان بیشتر تشبیهات است.

طبق آمار ۵۳٪ تشبیهات اخوان ثالث به همراه ادات تشبیه است. به عبارتی بیش از نیمی از

تشبیهات وی نشاندار «ادات» دارند.

کاربرد یا عدم کاربرد ادات تشبیه و تنوع و نوآوری در آن از جمله عوامل دگرگونی یا تشخیص سبک است. تحلیل اشعار شاعران نشان می‌دهد در این حوزه کمتر خلاقیت به کار رفته است.

صفت هنری در تشبیه

کادن صفت هنری را چنین تعریف می‌کند: «صفت یا عبارتی که کیفیت و نشانی را بیان می‌کند که این (نشان و کیفیت) ویژگی مشخص فرد یا شیئی است» (گادن، ۱۹۸۴: ۲۴۱). در زبان فارسی صفت هنری غالباً با جان‌نشین کردن صفت برای موصوف درست می‌شود؛ اما در بلاغت انگلیسی علاوه بر این شیوه صفت هنری را با صفت و موصوف همراه می‌سازند. صفت هنری وقتی به جای موصوف قرار می‌گیرد به استعاره نزدیک می‌شود. فردوسی:

«چمانده» دیزه هنگام گرد «چرانده» کرکس اندر نبرد

«فزاینده» باد آورد گاه «فشانده» خون زابر سیاه

صفت هنری در ساختارهای تشبیهی عبارت است از هرگونه صفتی که شاعر به همراه مشبه یا مشبه به می‌آورد و تلاش می‌کند بدین طریق ویژگی‌های آنها را بیشتر روشن نماید.

باد چست و چابک و توفنده بر اسبش سوار آمد.

همچنان دیوانگان تازنده سوی کوهسار آمد.

(نیما)

«چست»، «چابک» و «توفنده» شدت باد (مشبه) را نشان می‌دهد. اگر این صفات ذکر

نمی‌شد شاید تندی و شدت باد بدین صورت نمایان نمی‌گردید.

و نه چیزی رفته بود از این

که چنان غرنده اژدرها

گشت غران رود وحشت‌زا

کرد آغاز سر خود هر زمان بر سنگ کوبیدن

(نیما)

«غرنده» به عنوان صفت برای مشبه به «اژدرها» و «وحشت‌زا» به عنوان صفت رود (مشبه) حالت خروشان و ترسناک بودن رود را القا می‌کند. بدون این صفات ویژگی‌های رود به تصویر کشیده نمی‌شد.

در اشعار نیما که تلاش می‌کند بیشتر خصوصیات تشبیه را بازگو کند، ۱۳٪ مشبه‌ها و ۲۴٪ مشبه‌به‌ها صفت هنری دارند. در حالی که این آمار در اشعار سپهری به ترتیب ۱/۱۸٪ (مشبه‌ها) و ۲۰٪ (مشبه‌به‌ها) و در اشعار اخوان ۵٪ (مشبه‌ها) و ۲۰٪ (مشبه‌به‌ها) دارای صفت هنری هستند. این آمار نشان دهنده این است که هر سه شاعر از صفت هنری در ساختار تشبیه استفاده کرده‌اند و می‌توان کاربرد صفت هنری را از ویژگی‌های سبکی شعر نو به حساب آورد.

نمونه‌های دیگر:

- اشتری دیدم بارش سبد خالی پند و امثال

(سپهری)

پند و امثال به سبد خالی تشبیه شده. در اینجا مشبه به با صفت همراه است.

- گیاه نارنجی خورشید

در مرداب اتاقم می‌روید کم کم

(سپهری)

مشبه به همراه با صفت است: خورشید چون گیاهی نارنجی است.

- رگه سپید مرم‌سبز چمن زمزمه می‌کرد.

(سپهری)

- رمزها چون انار ترک خورده نیمه شکفته‌اند.

(سپهری)

از دیگر ویژگی‌های سبکی ساختار تشبیهات نو، ابهام در ارکان مختلف تشبیه است که در جایی دیگر بدان پرداخته شده است.^(۴)

نتیجه گیری

می توان گفت دستگاه بلاغی شعر برای بررسی در تحول و دگرگونی سبک ها بسیار اهمیت دارد. ارکان مختلف این دستگاه می توانند نشان دهنده دگرگونی باشند. از جمله این ارکان ساختار تشبیهات است که هر یک به گونه ای دستخوش تغییر می گردد. در بررسی شعر نو فارسی براساس اشعار نیما، سپهری و اخوان ثالث می توان گفت مشبه به های جدید وارد حوزه شعر این شاعران شده است؛ اما بسامد آن از نظر آماری نسبت به حجم اشعارشان چندان زیاد به نظر نمی رسد. در حوزه وجه شبه، ویژگی سبکی نیما آوردن وجوه شبه است، در صورتی که ویژگی سبکی سپهری حذف وجه شبه است. اما اخوان در حذف و آوردن وجه شبه متعادل عمل کرده است.

در حوزه ادات تشبیه $\frac{3}{4}$ تشبیهات نیما، بیش از $\frac{1}{2}$ تشبیهات اخوان به همراه ادات تشبیه آمده است. در حالی که تنها $\frac{1}{5}$ تشبیهات سپهری به همراه ادات تشبیه است.

ویژگی دیگر دستگاه بلاغی شعر نو آوردن صفت هنری همراه ارکان تشبیه است که این موضوع را نیز می توان به عنوان ویژگی سبکی قلمداد نمود. مشخصات دیگری که به ویژه در اشعار سپهری به چشم می خورد آوردن ادات تشبیه نو، استخدام در وجه شبه و ابهام در ارکان مختلف تشبیه است.



آمار مباحث گوناگون مقاله را می‌توان در جدول زیر دید:

اسامی	تشبیهات	تشبیهات	مشبه‌به‌های	مشبه‌به‌های	ادات	مشبه با	مشبه به با
نیما	%۷۷	%۲۳	%۸۹	%۱۱	%۷۲	%۱۳	%۲۳/۵
اخوان	%۵۷	%۴۳	%۸۹	%۱۱	%۵۳	%۰/۵	%۲۰/۵
سپهری	%۲۶	%۷۴	%۸۷	%۱۳	%۲۰	%۱/۸	%۲۰



پی نوشت

۱. ر.ک: صفوی، ۱۳۸۰: ۱۲-۴؛ شمیسا، ۱۳۷۳: ۳۲-۲۳؛ اسکولز ۱۳۷۹: ۴۱؛ فالر و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۹-۳۹.
۲. ر.ک: رضایی جمکرانی، ۱۳۸۳.
۳. ر.ک: صفوی، ۱۳۷۳: ۴۹-۴۷.
۴. ر.ک: رضایی جمکرانی، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۰.



منابع

آلن، گراهام (۱۳۸۰) بینا‌متنیت، ترجمه پیام یزدانجو، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
اسکولز، رابرت (۱۳۷۹) درآمدی بر ساختار‌گرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران، نشر آگاه.

بلزی، کاترین (۱۳۷۹) عمل نقد، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران، نشر قصه.
پورنامداریان، تقی (۱۳۸۰) در سایه آفتاب، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن.

داد، سیما (۱۳۷۵) فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مروارید.
دود پوتا، عم (۱۳۸۲) تأثیر شعر عربی بر تکامل شعر فارسی، ترجمه سیروس شمیسا، چاپ اول، تهران، انتشارات صدای معاصر.

رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۳) «بهام آفرینی در شعر سهراب»، مجله گفتگو، شماره ۹.
رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۳) تحلیل و نقد تشبیه در شعر معاصر فارسی براساس آثار سه تن از شاعران نوپرداز: نیما، سهراب سپهری، اخوان ثالث، پایان نامه دکتری، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

سپهری، سهراب (۱۳۷۶) هشت کتاب، چاپ هفدهم، تهران، کتابخانه طهوری.
شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲) صور خیال در شعر فارسی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات آگاه.
شمیسا، سیروس (۱۳۷۳) کلیات سبک‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات فردوس.
صفوی، کورش (۱۳۷۳) از زبان‌شناسی به ادبیات (نظم) چاپ اول، تهران، نشر چشمه.
صفوی، کورش (۱۳۸۰) از زبان‌شناسی به ادبیات (شعر) چاپ اول، تهران، پژوهشگاه هنر و اندیشه اسلامی.
فالر، راجر و هکاران (۱۳۸۱) زبان‌شناسی و نقد ادبی، ترجمه مریم فوزان و حسین پاینده، چاپ دوم، تهران، نشر نی.

فرخزاد، فروغ (۱۳۶۸) مجموعه اشعار، چاپ اول، آلمان، انتشارات نوید آلمان.

فضل، صلاح (۱۹۹۸) علم الاسلوب، الطبعة الاولى، مصر، دارالشروق.

مهاجر، مهراڻ و محمد نبوی (۱۳۷۶) به سوی زبان‌شناسی شعر چاپ اول، تهران، نشر مرکز.

نیما یوشیج (۱۳۷۵) مجموعه اشعار، تدوین سیروس طاهباز، چاپ چهارم، تهران، انتشارات نگاه.

هاوکس، ترنس (۱۳۷۷) استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.

Bard Ford, Richard (1997) Stylistic, Frist Published, London.

Guddon, J.A (1998) Adictionary Of Literary. terms Reprinted.

Turner, G.W (1987) Stylistics, Reprinted, New York.

